

5

چاپی اهدائی


۶۷۹ سرود

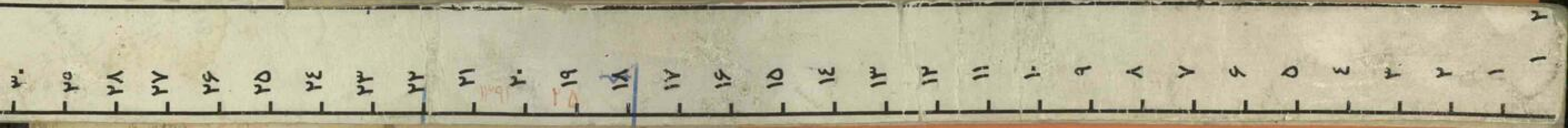
۲۴۲  
۲۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

(۶۷۱)

کتابخانه خصوصی  
غلامحسین - سرود

 <p>جمهوری اسلامی ایران</p>	
<p>کتابخانه مجلس شورای اسلامی</p>	<p>شماره ثبت کتاب</p>
<p>کتاب: تدبیر الحکماء</p>	<p>۱۲۸۰۱۵</p>
<p>مؤلف: محمد سلیم عبدالعزیز قزلباشی</p>	
<p>موضوع:</p>	
<p>شماره اختصاصی: ( از کتب اهدائی: غلامحسین سرود</p>	



چاپی	اهدائی
۶۷۱	سرود



۲۷۲  
۲۰

کتابخانه مجتبی

(۷۱)

کتابخانه خصوصی  
غلامحسین - سرود

اسلامی  
غلامحسین سرود

کتابخانه مجتبی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره ثبت کتاب  
شماره اختصاصی  
۱۲۸۰۴

چاپی	اهدائی
۶۷۹	سرود



۱۲۸۰۱۵

کتابخانه خصوصی  
غلامحسین - سرود  
فهرست کتاب

صفحه

۵

مقدمه کتاب

۶

امور از ضرورت و سخت

۷

حرکت و سکون

۷

مسکن و هوا

۱۰

ملبوس (رخ و پوشاک)

۱۱

غذا (غوث و خوراک)

۱۳

نفسیل و استحمام (شست و شو)

۱۴

جماع

۱۵

مقاله اول در عوارض مؤثره در وجود حامله

۱۵

فقدان شهوت و نفرت از بعضی اغذیه (نفرت)

۱۶

وحم (وبار) (پرکشت) و فساد شهوت

۱۹

غشيان

۲۰

فی

۲۵

سبلان بزاق (سبان) (جاری شدن آب دهان)



هذا کتاب تدبیر الحوامل

للسیلم المطیب الجوانی الفریانی  
عفی الله عنه

طبع ثانی این کتاب در نجف اشرف

فیمت سه قران و ده پیس

در دار الخلافه طهران ضاهنا الله عز وجل  
در مطبعه النجاة افاضه جلیل  
بجای طبع سید فیصل



سبلان رطوبت مهلبی  
یوسن و نبض شکم

۲۶

۲۷

۲۹

بواسیر  
فصل در خصوص مسترشدن حکم شرع پیش فاطمه حکما  
و بیان انخاب خواب نفصیل حالات

۳۱

۳۲

۳۲

۳۳

دوالی

هتج

املاء الدن

مقاله دوم در بیان عوارض اناج که بواسطه انها بصحیح  
ضمیمه می شود و اینکه موجب نفوذ سفت و هلاکت از پیش  
صدمه بر شکم خاطر و سقوط علی المفعلة

۳۵

۳۵

۳۶

سفت جنب

۳۹

۴۱

غلبه خون فای مضرب حال جنب  
ناثیر اند علی کتب الحماطه در وجود جنب

ناثیر اند علی کتب الحماطه وجود جنب

۴۱

۴۴

۴۴

۴۴

۴۵

۴۶

۴۹

۵۴

۵۵

۵۶

خامنه الکتاب در بیان انفعالات نفسا  
حالت سرفه و اختلاس نسوان خاطر  
اختلال حواسی مشاعر معروف بخون حمله  
ناثیر انفعالات اثر در وجود جنب  
عقبه مؤلف  
نفصیل بجز عجیب الخلقه و نبض  
بیان اثر شنیدن علم فزی بلوثر  
تحقیقات موزجین فایز طبعی  
جهنم نشین ارشاد فواید



عنوان التوحید والتجید

المحمد لله الذي خلق آتانا من سلاله طين وصورها على صورته  
ونفخ فيه روحه وشعبه من جنسه ثم انزلنا بنطفه في قرار  
مكين وجعلها علفه ثم جعلها مضغه فجعلها عظاما  
ثم كسبها لحما طريا فضعنا بقلب سليم  
فبارك الله احسن الخالقين

عنوان النصائب السليم

الصلوة والسلام على غايه الثرى والثريا المفصود من الإيجاز  
والابداء محمد واله الاتقياء سيما ابن عمه على المرضى  
سبب تأليف كتاب  
چون بواسطه بنودن طبيب زنانه وتأليف نشدن كتابى



برای نذايستن زنان حامله در نمالك محروسه ايران خوائين محترمه  
مخصوصا مخدرات آنها در زمان حمل از ايندای نكوبين چيز  
ناموقع وضع حمل كاهى از صدمات باركران حمل وكاه  
از نذايستن باطله هر جا هلى بى تجربه و فابله عجز من مبتلاى زحمت  
و گرفتار مرارت ميباشند اين بنده به مقدار محمد سليم  
ابن العالم العامل المرحوم محمد صفى الجوانشهر الفرباغى  
محضر خدمت بابناى ملت واهالى مملكت و اداى مراسم  
انسانيت در سال فرخنده فال ۱۳۱۳ هجرى مطابق سال  
چهل و هفتم جلوس ميمنت ما نوس بنديگان اجل حضرت  
قدر قدرت آسمان حشمت و خورشيد جلالت و فلك  
رفعت شهر بار افخم شاهنشاه معظم السلطان بن  
السلطان بن السلطان والخافان بن الخافان بن الخافان  
الصاحبقران ناصر الدين شاه فاجار لال زلفه  
جيشه من عند الله مؤيدا واساس ملكه من فضل الله متيدا



در عهد وزارت علوم و معارف جناب جلاله‌آباجل  
 اکرم علی‌علینخان مخبرالدوله وزیر علوم  
 از توجهات کافیه بندگان ولی النعم الکبیر بالکرم  
 اولی العزم والهم صاحب السیف والفلم جناب جلاله‌آباجل  
 اجل امیرالامراء العظام آقای نصر السلطنه امیرنومان  
 وزیر مسکوکات کل منالک محروسه ایران اعنی محمد  
 ولینخان ادام الله ایام اقباله واجلاله ابن رساله موسو  
 بند پیرالحوامل را تالیف نمود امیدوارست مطبوع  
 طبع اساتید عظام و معمول به خاص و عام گشته در  
 صفحه روزگار از این جان نثار بیاد کاربائی بماند

الله اسئل ان ینفع به المطالع      و ینقض لرفاجه حسن الطالع  
 علیه توکلت و به استعین      فهو حسبی و نعم المعین

بند از شروع بمطلب بعرض مطالعه کنندگان کرامی <sup>نقش</sup>  
 هر لفظ و با کلامیکه محتاج بشرح و توضیح باشد بک رفتن  
 از ارقام اعداد هندسه میان دو خط هلالی در <sup>مطلوب</sup>  
 چپ همان لفظ و با آخران کلام لازم التوضیح رفت نمود (۱)  
 مطابق همان رفتن در آخر صفحه در تحت خط عرضی با قلم  
 ریز منعرض شرح و توضیح آن خواهیم شد و هر جمله که در  
 بین سطور ایضا در وسط دو خط هلالی نوشته بشود (اینطور مثلا)  
 دلیل بر این است که آن جمله معترضه و خارج از مایه  
 فیه است محض بصیرت و اقتضای مقام ذکر شده و با  
 اینکه توضیح ما قبل خودش است  
 و هر لفظ ترکی که مصطلح و معمول زبان فارس است و با  
 اینکه اسطر ادا ذکر خواهد شد محض تعیین لغه ناء ممدود  
 که حرف اول لفظ ترک است روی آن لفظ خواهیم گذاشت

(۱) محض توضیح عرض میشود که اگر در یک سطر یا در یک صفحه تمام نشد در چند سطر یا در چند صفحه  
 نوشته خواهد شد



مقدمه

درین رساله بیان میکنیم بعضی از قانون صحت و تدبیر حمل  
 و اسباب و علامات امراض حامله و علاج آنرا که در واقع  
 عمل و مراعات آنها هم موجب صحت و نجات مادر است و  
 باعث تکمیل خلقت جنین و سهولت تولید آن  
 چنانچه مؤسس اساس فن جلیل طب بفراط میگوید که  
 جنین در رحم مادر غلقق ناجی دارد با حیات آن یعنی  
 در حالت صحت آن صحیح است و بواسطه علت آن علل  
 و هنگامی که در زمان حالتی احدی از معظم اطبای معاصر  
 و اساتید ماهر را سراغ نداریم منکر این مسئله نباشد که اکثر  
 علل حوامل سبب ابتلای جنین میشود بلکه اعتقادشان  
 بر اینست که اغلب امراض و علل نتوان حامله باعث سقم  
 و نقص جنین بلکه موجب سقط و هلاکت آن میباشد  
 پس زنان حامله را است که هر چه تمام تر اهتمام نمایند بر

امور صحیح خودشان و بجا بیارند تا بپایان مخصوصه بحمل  
 و وسایل مستعمله در آن حالت را تا اینکه بدون نقص و  
 خطر برسند بثمر رحم خودشان  
 امورات ضروری در صحت

(۱) حرکت و سکون

زن باین بنا بد محض ترس از سقط و غیره خود را در  
 خانه حبس و معطل کند بلکه انسب آنست که حتی الامکان  
 بجهته گردش و تفرج بیرونها برود علی الخصوص ایستادن  
 فصل معتدل و هوا خوش و ملایم باشد و هرگز از کار  
 کردن نوی خانه خود مضایقه نکند بلکه علی الاتصال  
 مشغول کارهای شخصی و خانه داری خود باشد مگر  
 او فائیکه نزف الدم و باد درد شکم عارض بشود خاصه  
 بجهته زینکه پیشترها سقط کرده باشد در این صورت  
 راه رفتن و حرکت کردن صحیح نیست

بواسطه نشستن و حرکت نکردن  
 جنین حالت بجهته حامله  
 میدهد و الا اینکه عضلات از  
 قوت افتاده هنگام زاییدن  
 از اخراج جنین عجز نمایند  
 تا آنجا که با عیاضان نفخ و  
 هتج عی و درد ثانیاً باعث  
 بروز بواسیر و احداث بواسیر  
 مزاج میشود و بواسیر  
 مزاج طولانی هم یکی از  
 اسباب سقط جنین است  
 مؤلفه



بجمله حوامل ناماء چهارم اجتناب از هرگونه حرکات  
عنفیه و افعال شاقه لازم است مانند جستن و  
رفضیدن و حمل اثقال و مسافرت بعید و مسائل  
صعبه سببا بمرکب های نازا حث و کالسه های  
شدرو و غیره

اینهمه سفارشات و احتیاطات مادر حق خانم های  
مرفه الحال و خوانین فارغ البال و طالب زایش  
جمال و غیرها است نه درباره آنها بی که دائم در صد  
خانه داری و بای زندگی خود و زاجتی اولاد و شوهر  
بعله اینکه آنها بواسطه عادت بحمل اثقال و اعمال یدو  
غیره اغلب از خطرات اینگونه حرکات محفوظ و معفونند  
(۲) مسکن و هوا

مناسب حال زنان حامله آنست که حتی الامکان در  
بالا خانه های با صفا و منزلهای رفیع البنا سکونت اختیار

نمایند تا اینکه نسیم بیدن آنها بخورد و روشنای افتاب  
بنشان بناید

یکی از حکمای طبیعی میگوید که قوی ترین اولاد از حیثیت  
بنیه و مزاج و مقبولترین آنها از حیثیت صورت و اندام  
آنها هستند که در خارج شهر زایشده شده باشند  
در جایها خوش آب و هوا و در سرزمین های بارور و  
صفا بجمله اینکه مادر حکم درخت میوه را دارد هر اندر چنکه  
در معرض هوا و تابش افتاب واقع باشد هر بنیه را از او  
میوه درشت و رنگین خیلی خوب خواهد شد برعکس  
در چنکه در شکاف جبال و در کودی دره واقع شده  
ناباشد که نه هوا بروی خورد و نه افتاب بر او تابد در اینصورت  
هرگز مثمر و ماکول نخواهد شد

حقیقت همین طور است بعله اینکه انسان نیز بجهت این  
خلق شده است که مثل مورچه عده از احاد آنها در سوراخ



تنکی جمع شده پائمال همدگر بشوند بلکه باید هر کدام از آنها را  
 با نقراده و سعی از زمین و فضایی از هوا را دارا باشند که  
 شش نفس همدگر موجب شمیم یکدیگر نباشد  
 پس در این صورت بر زن ایستادن است که اجتناب کند از  
 منزلهای تنگ و تاریک با ازدحام چنانچه اکثر اوقات تجربه  
 شده است و اینکه زن ایستادن مدتی در مجالس موصوفه  
 (مانند حمام و مسجد و مجلسهای روضه خوانی و سایر مجالس عمومی)  
 مکث نماید چنین از حرکت می ایستد بلکه گاهی سفت میشود  
 بجهت هر کدام از زنان حامله ممکن است که تجربه  
 فوق را امتحان کنند باینکه چند دقیقه حبس نفس نمایند  
 فوراً میفهمند که چنین در شکش مضطرب شد سبب  
 این حالت نیست مگر اینکه هوای ضاف که اصل ماده حیاتی است  
 استنشاق نمیشود لا بد آنوقت چنین از ترس اختناق خالک  
 مملد (پفزاری) پیدای کند

و همین حکم را دارند امکنه بذاب و هوایی که اسباب نوبه  
 در اینها تولید میشود مانند بطایح (کنارهای راکد و  
 وحوش مرزبها) و اراضی تره (زمینهای نمناک) و اجا  
 (لش زمینهای زار) و مزارع شلتوک و غیره علاو از آنکه  
 اینگونه سرزمینها بحالت حامله و صحت چنین مناسب  
 نیست گاهی موجب عضم زنان هم میشود (از جمله مسائل  
 مسلمه کتب عن و عضم است و اینکه زن و یا مرد منوط  
 امکنه میایی (۱) مبتلای عن و عضم شوند در صورتیکه  
 ذاتا و عرضا در آلات تناسل و نطفه آنها عیب نفی  
 مشهود نباشد همینکه نقل مکان و تبدیلیات هوا کنند  
 علت آنها برطرف میشود)

(۳) ملبوس (رخت و پوشاک)

لباس زنان حامله باید بحدی کشاد باشد که وقت تنفس  
 (۱) بخارانی را میگویند که از بطایح و اراضی تره و اجام بعمل میآید



سپینه و نشه زانفشارد و هرگز محض تقلید ز نهای فرنگی  
 پستان بند و کمر بند نبندند کد نشه از اینکه با حالت  
 حمل صحیح نیست در غیر حالت حمل هم موجب امراض خطیره  
 میشوند و اگر چنانچه سابقا عادت به بستن آنها داشته  
 نباشد و لا اینکه از پارچه کشدار تر تیب بدهند تا بنا اینکه  
 في الجملة شل و سست ببندند نه فرص و قائم و بند شلوار  
 را از چیز نازک قرار دهند و ما دامی که نوبی خانه لباس  
 جمع و چسب نمیپوشد و با اینکه بعله بالا آمدن شکم اصلا  
 لباس روی شکم نمیچسبد باید باد شمال نازکی روی شکم  
 را ببندند که هوای سرد لبشکم نخورد

(۴) غذا (خوراک)

لازم نکرده است که زن ابله محض حمل غذای غادی  
 خود را بخورد و هم مکره نکامیکه ضعف و اختلالی بواسطه  
 حمل در آلات هضم پیدا شود مانند نفی و غشيان و حالت

وحم (ونار) (برکلیک) و غیره و غیره از عوارضات  
 متعارفی حوامل در این صورت باید افضای مبل و معده  
 هر دو را ملاحظه نمود اما و فیکه مانع موجود نباشد  
 باید حتی المقدور غذای خوب و مفوی تناول نماید هرگز  
 گوشت را بدون سبزی الاث نخورد و محض ملاحظه  
 حال معده و غلبه حرارت چیزهای خاد و تند و ادویه  
 دار و مشروبات محرکه استعمال نماید که مبادا دوزان خون  
 همچنان آمده موجب عظم فطر چنین و ضخامت جسدان  
 و سبب استلای رحم و ضغطة چنین شود خاصه زنهاییکه  
 بواسطه تنگی فضای حوض خاصه (۱) و با بموجب رشی

(۱) در بدن انسانی چهار جوف است یکی جوف کبده که مغز بزرگ و کوچک و بصل نخاع در  
 او است و جوف الصد که نفس سینه هم مینامند دل و شش و احوال الشرايين و البطن  
 که معده و جوف کبد و کلیه و طحال و غیره در آن است و جوف خاصه که لکن و حوضان هم مینامند  
 الاث و فانی در او میپوشد و جوف انا و جوف حوض در او است و در کوفه مشا و در کوفه مشا



جنبین و با بواسطه تنگی فضای قوس زهر زهار (۱) و تنگی وضع  
حمل مبتلا بعسرت و لاد و محتاج باستعمال اسباب آلات  
فا باکی بوده اند در این صورت تکلیف آنها تفریل غذاست و  
اجتناب از مستمنات مانند حلوتیان و دهنیات و اغذیه نشاء  
(۲) و ترك راحت و غیره

(۵) تغسیل و استحمام (شست و شو)

اگر عادت زن حامله در غیر حالت حمل بر این بود که زود زود  
استحمام و شست و شوم میکرد بهتر است که تا ماه پنجم  
کنز کند و در بین ماه ششم هم احتیاط کند علی الخصوص مذ  
مکت حمام را خیلی که نماید (یعنی و فییکه قبل از طلوع افتاب  
بحمام رفته نه از زاده را بخار صاف نموده چند دفعه فلان میل فرم  
با خواهر و مادر و عصاره بنفشه و شرف بیاورد)

(۱) چون دو شاخه عظم غانه بواسطه عروق الهیهیم یکدیگر پیوسته و بیکدیگر میزنند و با شاعره عظم در یک متصل  
فضای مشتمل بر مایه که برخی از آلات بول و ناسل را حمل است و برخی دیگر مغز و بعضی از عصب و بعضی از  
جنبین خلایق عالم را ناسل را تشکیل می دهد و وسیع تر خلق کرده است در اصطلاح مشرین انقباض  
قوس زهر زهار نامند (۲) مانند نشاء است و در سبب رمقی و غیره و هر آنچه از آنها ترشح آید میشود

زنهاییکه اول حملشان باشد و با اینکه حالت سفت و ضعف  
مزاج داشته باشند باید خیلی احتیاط از تکرار حمام و از تکرار  
طولانی آن نمایند خاصه که صحن حمام کرم و آبش داغ و فضا  
تنگ و خودش جدید البنا باشد زیرا که اینها از قوی ترین  
اسباب سفت اندا که مقصود از حمام شست و شو و نظافت  
باشد بهتر است که بواسطه آب گرم و تنگی وضع کردن کمی  
سبوس و خطی داخل آن نموده باشند قوی مغطس (۱)  
در پنجه مدت ده دقیقه قوی آن رفته شست و شونماید  
بجوبی چرك بدن را پاک میکند اینگونه حمام هرگز ضرر و خطر  
ندارد اگر چه در ماه پنجم هم نباشد اما بعد از ماه ششم استنجا  
چندان احتیاطی ندارد

(۶) جماع

بعضی از اطباء مجرب جماع را مضر حالت حمل میدانند بعله

(۱) ظرف وسیع پر از آب میکنند که خزینه حمام قرار داد قوی آن رفته شست و شونماید



اینکه بنا موجب سقط میشود دلیلش هم واضح است ولی  
از اینجا پیشکه اصل نالیف بن رساله بجهت مخدرات عقیقه  
است فلهمذا نخواسیم منافی ادب تفصیلی در اینجا ذکر کرد  
باشیم که مانع در مرور و مطالعه آنها در این رساله نباشد  
پس هر کس طالب تفصیل این مسئله نباشد از طبیب خانواد  
خود تحقیق نماید نهایت بطور اجمال عرض میشود که هر زنی  
که بکدغه سقط کرده باشد بشوهر او لازم است که در

زمان حمل بعد از سقط تا ماه پنجم ترك مفارقت کند  
عوارض الحمل و کونی میباشد یکی مؤثره در  
وجود حامله دیگری رجوع جنین فلهمذا انهار  
ی در مفاصل است

مقاله اول در عوارض حامله و رجوع حامله

(۱) فقدان شهوت و نفرت از بعضی اغذیه (نفرت)  
(ابرمک) اول چیزی که زنان جوان در حالت حمل شکایت

ازان میکنند که اشتهای نسبت بکلیه غذا و نفرت از  
بعضی آنها است حتی از رویت و استنشام رایحه طبع مشتمل  
میشوند خاصه از بوی طبع گوشت که بغایت منفرند و  
میل میکنند به بعضی چیزهای حاد و تند و ترشی لاذ  
افشره جات و میوه جات و آنچه که چندان معمول و معتاد  
نیست در این صورت باید هر چه ضرر بخت آن ندارد قضا  
نکند و از مضایقه و ممانعت مضرات صدمه بر حال آنها  
وارد نمی آید

(۲) وحم (روبار) (برکلیک) و فساد شهوت

بکفشی از امراض عصبانیه عارض معدن میشود که عبارت  
است از فساد قوه ذایقه چنانچه حوامل از روی میل بعضی  
غذا میخورند مواد غیر مستعمله که دارای فی الحمله اصول غذا  
هستند و با چیزهای که دارای مواد غذایی نیستند و هیچ  
مشابهی با بدن ندارند و لبر اوحم نامند و بمبر افساد شهوت



اینحال تنها بحوا مل اختصاص ندارد و در طب هم قلیل اتفاق  
نیستند کمتر طبعی است که اطفال و دختران مبتلا بکثر  
(کم خونی و بی رنگی) زاننده نباشند که زغال و کچ و خاکستر  
و فلفل و نمک را روزی از دو و سه مثقال تا دو پیست  
مثقال میخورند

اگر بخوابیم تمام مبله های عجیب و غریب خواهشها بیکه در این  
مریضها مشاهده شده ذکر کنیم این مختصر کنجا بش تفصیل آنها را  
ندارد همین قدر معلوم باشد که فساد قوه ذابنه همین طور  
که در جامدات دیده میشود در مایعات (مانند بول و سرکه  
و مرکب و غیره) نیز دیده میشود اما مبله ها با شبنم مکرر  
و بشعه (مانند شیش و برار و مورچه و غیره) کثرت  
ممکن است مقدار مواد غیر مندا و له که مریضها میخورند چنانچه  
ذکر نمودیم زیاد باشد با وجود این از خوردن آنها در رحمت  
و عذاب نیستند ولیکن اکثر آنها زانی و اسهال غارض میشود

اگرچه زیاد مشناق به بعضی از ماکولات هستند ولی عموماً  
و قبیله خواهش آنها بعد از مایعات (مثل زای شدن چشم  
جبین) نمی افتد و هیچ تعبیری در حالت آنها ظاهر نمیشود  
اما بعضی برعکس در چنین حالتی مبتلا بفلق و اضطراب  
و بحالت اعبا و خسته کی میشوند

این مرض در زنان حامله در دو سه و چهار ماه اول ایام حمل  
دیده میشود و ممکن است تا زمان وضع حمل دوام داشته  
باشد و این مرض در زنان حامله از امراض خطرناک نیست

علاج ناممکن است باید مریض را منع نمود از خوردن  
چیزهایی که غذائیت ندارند و نیز کاهی از داخل کردن دانه  
بشعه که اسباب نفرت آنها میشود مانند نفوفه و غیره  
بجزهای بیکه زیاد میل دارند منفعت کلی دیده شده بسیار  
که بتوان بر میل مفرط بیکه زنهای حامله دارند غلبه کرد  
آنها را با مانع نمود زیرا که هر چه بخورند کندی روی میکنند



پس باید سعی کرد و آنها را مشغول ببله و لعب نمود بعضی  
از اطباء غذای آنها را هر دفعه عوض میکنند و غذای  
مختلفه مناسبه بآنها میدهند که شاید در این بین  
یکی از غذایه مناسبه میل پیدا کنند بالاخر باید  
صبر کرد و بآنها بامدازا و مسامحه رفتار نمود و بشدت  
آنها را از میل منع نکرد مگر و فیه که خوردن چیزهای  
باین شدت دوست میدارند بخواهد آنها را از  
حالت صحت منحرف نماید اما دختران مبتلا بکلیه  
بواسطه استعمال اصلاح آهنی بهولت از این مرض استخلا  
می یابند

### (۳) غشيان

گاهی غشيان موجب زحمت و اذیت زنان حامله میشود  
بنوعی که علی الذوام مایل به کردن هستند و قنادر  
معدنه آنها را شش میشود گاهی اینجالت بد بختی بآنها  
پیر

طبی مقاومت مینماید که طبیب از چاره و علاج آن عجز  
نمیرساند

علاج گاهی بواسطه نذا بربخربته مانند شربهای  
ترش و شیرین و آب نعناع و عرقان و آبهای غار دار  
مانند لیمونات و آب سیفون و آبهای معدنی معروف  
و آب لیموی ترش و نازه و یا اینکه در هر دو ساعت فاصله  
چهار فطره طنطور بد (بعد از ماه چهارم استعمال داخل  
طنطور بد در حوامل احتیاط دارد) و دو فطره لوذام  
را داخل بکفجان شرب کنند نموده میل نماید تخفیف  
کلی میدهد

اگر ناذ بربفون رفع نشد بآیداد و به ضدتی که در میث  
آیه ذکر خواهد شد دفع او را نمود

### (۴) فی

از آنجا که این رساله کنجایش ذکر تمام انواع و مقدار و هنگام



فی های زنان حامله را ندارد همین قدر میگوئیم که کمتر زنان حامله  
هستند که مبتلای اینحال نباشند اما اغلب آنها بیکه در  
حمل اول مبتلا میشوند دیگر دچار اینحال نمیشوند و در نا  
دید شده است که عروض آن در ساعت اول الفح (ابتداء)  
انقباض یافته اما اکثر عروض آن بعد از روز یا نوزدهم و آخر  
ماه اول حمل میشود تا ماه دوم و سیم و چهارم امتداد  
یافته بعد از آن ندرت یابد و با انقباض گذاشته تا آخر حمل  
موقوف میشود و گاهی ندرت تا زمان وضع حمل طول  
میکشد

در زنان حامله بعضی وقت بخدی شدید و متواتر و  
طولانی میشود که اگر معالجه و سقط موافقت نکند بیهوش  
از قوه و قدرت رفته در حالت فلاکت می افتد  
مخفی نمائند که اگر اشتداد اینحال بعد از ماه چهارم و یا  
اینکه ابتداء عروض بعد از آن نباشد باید قبل از همه

ندایر از حالت رحم اطمینان پیدا کرد زیرا که گاهی دیده شد  
است که سر جنین سنگینی کرده رحم را بطرف نفعیر  
عجز برده بجزد اینک باندایر صیحه رحم را از آن بگردار  
خلاص کرده در محل طبیعی خود قرار داده اند فوراً فی موقوف  
شده

علاج گاهی ممکن است که تخفیف فی بواسطه ندایر بیکه  
بجهت غشای ذکر کردیم بعمل آید و اگر با آنها ساکت نشد  
باید بکی بکی تمام ندایر ضدی را که ذیل ذکر میشود بعمل آورد  
هر کدام منفعت داد چند روزی مداومت نمود و اگر بعد  
از چند روز از اثر افتاد بکی دیگر را استعمال نماید

گاهی هم ادویه مره و سایر مغالجات سوء هضم عصبانی  
و برخی ادویه ضد تشنج معمول و مفیدند

سنخ ندایر ضدی

(۱) بی کرنات دوسود (دوای جوش شیرین) بکشتال



اسبید طریک (جوهر اب غوره) بنیم مثقال هر کدام زادر ظرف  
 علیحدّه داخل دوا سنگان آب نموده ساعتی بکفاشق اش خور  
 از محلول فلزانی و پشت سران بدون فاصله بکفاشق از محلول  
 نرش میل نماید که در معده مخلوط شده تولیداروغ نماید  
 (۲) مخلوطی از شبرک و آب سدیز نریب داده هر ساعتی  
 بکفنجان زابا پنج سرد کرده با فلم وانی میل نماید بنوعیکه شکر  
 مخلوط مشروب بلبها اثر نکند که موجب مخربک میشود  
 (۳) پیسین (جوهر پین که از معدّه حیوانات میگیرند)  
 پنج نخود سه فنم نموده در هر هشت ساعت بکفشمز  
 داخل بکفنجان آب گوشت سرد بی چربی نموده میل نماید  
 (۴) در هر یک دو ساعت ده و پانزده فطره روم بروی یکج  
 فند چکانده میل نماید  
 (۵) ساعتی یک دو فلزانی و با سیقار بکشد  
 (۶) طنطور بد در هر دو ساعت چهار فطره داخل بکفنجان

شریب فند سرد نموده میل نماید (استعمال داخلی طنطور بد)  
 بعد از ماه چهارم حمل جایز نیست

(۷) اطر بطور بخور بروی شکم (از ناف بنالان) و بروی  
 مهرهای پشت پنج الی ده دقینه بخیر نموده بعد غذای  
 مریضه را بدهند

چون از خودش فرار است اگر  
 در شیشه اش را بر داشته  
 بزیر عضو بگیرد بخیر عمل  
 نماید

(۸) (حفنه) پنج نخود کلر آل هیدرانی داخل بکپاله آب  
 نموده اماله نماید

(۹) (طلایه) چهار نخود نریک زابا انقدر عصاره بلدان  
 داخل بکشفال کره کاکاهو (زبد جوزا دهند) نموده بروی  
 شکم بمالند

(۱۰) (نر زین) یک دو سناطی کرم کلر هیدرات دو مرفین را  
 در یک کره اب بنیم کرم حل نموده بواسطه انترکسیون مختجله  
 زرق نمایند

(۱۱) عرف شراب شانزده مثقال عرف بیدمشک دوا سنگان



بافند شیرین کرده در هر چهار و یا پنج ساعت فاصله ربع مفدا  
مخلوط را با پنج و یا برف سرد کرده با فم و بانی بنوشد  
و فبنیکه مرض مبرم شده با نذا بر طبع مفاد منکر و مریضه  
هر چه خورد فی کند و لو اینکه بکمر عذاب باشد تکلیف طبیب  
معالج اسفاط چنین است فقط در صورتیکه ظن مٹاخ بعلم  
داشته باشد که مریضه بواسطه نزف الدم سفت و غیره تلف  
نخواهد شد

(ه) سبلان بزاق (دیک) (جاری شدن آب دهان)  
این مرض در بعضی زنان حامله در ماههای اول حمل غارض شده  
رطوبت رفیق مذاهی سبلان میکند و عموماً بی طعم و بوست  
گاهی ندرتاً طعم عفص (دیش) و بوی منعقن بهر ساند و کف  
الود میشود و این رطوبات قدری بلع میشود و قدری از دهان  
خارج کرد چون هنگام خواب دهان را شامی ببندند داخل  
معه میشود و اگر رطوبت زیاد شد بیخ کلوزا گرفته قدری

داخل خلطوم (نفس گاه) کرده بده حالت اختناق دست نهاده  
مریضه از خواب بیدار میکند  
رفتار و امشادی این مرض در حوامل از یک هفته تا چند  
هفته است ندرتاً شدت و امشاد پیدا کرده (شبان)  
روزی مفدا در رطوبات بیکم نیریز بلکه بیشتر میرسد  
اختلال هضم غارض شده ادرار و عرف کم کشته ضعف  
و هزال در مزاج و بدن ظاهر میشود

علاج بعضی ها بخوبی کرده اند که مریضه در صورت  
خفت مرض بکب نبات و با صغ عربی دهان گرفته  
هوای آنها رطوبت دهان را بلع بکند و در صورت  
اشتداد مفدا رکمی نرباک میخورانند در هر صورت  
خوردن با ذام در این مرض خیلی مفید است

(ع) سبلان رطوبت مهبلی  
اکثر اوقات از زنان حامله رطوبتی می آید (انچا لث غیر



از اسشفای رحم حوامل است) که بعضی در غیر حالت حمل  
این رطوبت را طشت سفید و با خون سفید مینامند  
و اگر این حالت شدت و امتداد پیدا کند آمنی  
(فله و رفت خون) و سوء هضم و دل درد عارض میشود  
علامات موضعی همان هتج عضو و خارش بازجفت و  
درد است سبب و فتادزار و جماع  
علاج گاهی بواسطه تریاق آب سرد و محلول اسنان  
دو پلمب (شکر سرب) و مطبوخ پوست نار و مازو  
تخفیف کلی دست میدهد در صورت ابرام و ازمان  
شستن با محلول یک درصد تانین (جوهر مازو) و یا  
پاشیدن سوپرات دو بسموت (سفید اب فرنگی)  
وزرق محلول غلیظ (ادرع) نبرات دارژان (سنگ جهم)  
و یا داغ عنق رحم با قلم آن معمول است  
(۷) پیوست و قبض شکم

اغلب بجهت زنان است پیوست مزاج عارض میشود و حال  
اینکه در غیر حالت حمل این حالت عارض آنها نمیشد در این  
صورت سبب با فلج وضعیفی است که عارض امعاشده  
و با اینکه فشار رحم است که بواسطه حمل بر معاء منقبض  
و اردامد

علاج (۱) اماله یک پیاله آب سرد بجهت بکمرینه  
اجابت طبیعت کفایت میکند

(۲) یکقاشق چای خوری بزرگ نمک طعام دو مثقال  
کره و با چربی حلیم را داخل یک پیاله آب نیم گرم نموده  
اماله نماید (هرگز با آب نیم گرم حمام اماله ننماید)  
(۳) چهار مثقال روغن کرچک را داخل یک پیاله مطبوخ  
نیم گرم کرمرک چند رو با خطمی نموده اماله نماید  
(۴) یک خوراک سدلیز و با یک پیاله آب معدنی میل نماید  
(۵) بهتر از همه اینها آنست که بعد از هر بار و شام بگذانه





پورتقال بخورد

(ع) سهد از همه مذکور است که صبح نود بجز این که از خواب

بیدار شد بک استنگان آب سرد بخورد

مخفی نماند که اماله های شیشه و یا برنجی که معمول خالیه ابراز است

یکی از فواید این اسبابهای بواسیر است بخصوصه بجهت زنان حامله

که استعداد مخصوص بجهت بواسیر دارند پس در صورت لزوم

باید اماله فرنگی را استعمال نمایند

(بیان)

گاهی بواسطه حمل رحم فشاری بر شکم و روده مسقیم وارد آورد

که موجب دروز خون و ریدهای ساق یا (شعب مابض و صافن)

و یا مسقیم میشود که اولاد والی و بی بواسیر میباشد اما

اگر در این صورت مانده آن بر پر جلد یا و یا اسافل اعضا ترشح

نموده و رمی بعمل بیاورد و بجنب میباشد

(۲) بواسیر

مثل از برز نکه خون زیاد بی بجز اسفل معاء مسقیم میل

نماید و بدین واسطه حس ثقلی در موضع عجز و خوارث و حکه

در مفعده بمرسد دفع براز عسر و مویع میشود غالباً همراه

می نماید با نشرا ندکی بلغم رفیق و سفید رنگ

این علامات عموماً از مبتدای سر روز است و باشد که در چند

ساعه تمام شود و یا اینکه هفته طول بکشد

علاج روز اول که احساس ثقل و خوارث و حکه کرد بک

پناله آب سرد حنه نماید و روز و نیم شغال زاج سفید را

در بک استنگان و نیم آب حل نموده اماله نماید روز سیم همان

مقدار زاج را در دو استنگان آب حل نموده اماله نماید بک هفته

بمیزان روز سیم رفتار نماید (در اغلب اشخاص که ابتدا انطو

رفتار نمایند بواسیر موقوف میشود) اما اگر بواسطه بوسه

مزاج و غیره در این صورت مسهل لازم شود باید بعد از خوردن

مسهل و فینیکه احساس اجابت کرد مقدار کمی روغن ملاهی



مانند روغن بادام و کلسرین و غیره بملاطمت تمام بواسطه  
اماله فرنگی اماله نماید که عندالاجابه براز مدفوع صد که  
نرساند و بجهت تحلیل ورم روغن خاکسری با عصاره بلادن  
طلا به نماید و برای اسکات درد واذیت سه و یا چهار شفاف  
ازد و شغال کره کا کا هو (زبد جوزالهند) و شش نخود بدو فرم  
مسحوق و انقدر عصاره بلادن <sup>خشت و شایند</sup> مرتب داده عندالاحتیاج شفا  
نماید

طریقه ساختن شفاف  
چند پارچه کاغذ سه  
انگشت چسبیده طول  
دو انگشت عرض را بیک  
بشکل مخروطی بچسباند  
و گوشه و کنار آن را از  
بزون بالاک چسباند  
دهنه آنها را با صافی صاف  
نموده بعد روغن را آب  
کرده و آنها را داخل  
و بمرده توی قابله ببرد  
و بیکه بستن قالب با آن  
کرده شفاف را در آورد  
استعمال نماید

ناید حتی الامکان مزاج را بواسطه اغذیه ملین و مناسب نرم  
نکهدارد و هرگز روی دوشک ننشیند و وقت خواب بر پشت  
ورو نخوابد بلکه اول بطرف راست بخوابد و چپ که خسته شد  
برگردد بطرف چپ و طهارت و استنجاء را با آب سرد بعمل آورد  
موافق آنکه در شرع شریف وارد شده (۱)

(۱) از قدیم الا تمام بعضی ها بدون ناپید باطن و تحقیق ظاهری  
بلکه محض اقتضای قیاس باطلی معتقد بر این بودند که به ملوی

# (۱) دوالی

عبارت است از اتساع در وریدهای مابض و صاف ساق  
یا که بهسبب ملا حظت زن آن کبودی را از حالت صغیر میشود  
علاج معالجه دوالی همان پیچیدن ساق است بانوار  
و پاپوشیدن جزایبهای الاستیکی (کشدار) که علی الاطلاق  
بافی الجمله فشار نمایند تا اینکه وضع حمل نماید بعد از آن خود بخود  
بر طرف میشود

## (۱) هتج

علامه هتج در زنان حامله برخلاف علامه هتجان سایرین  
و غیر حالت حمل است زن یک جلد عضو هتج باخته  
نمیشود و بواسطه فشار چندان عمیق خمیری پیدا نمیکند

چپ خوابیدن خواص دارد و هم چنین استنجاء با آب سرد  
کردن بواسیرها را ضرر میدانستند بر عکس در شرع شریف  
کلیه تعریف و تحسین از خوابیدن طرف راست و استنجاء



و هر چه عُمق پیدا کند فوراً عود میکند بحالت اصلی و وقت  
فشار موجع و موم است و قبل از ماه ششم کمتر اتفاق می افتد  
**علاج** اکھلامات منلای خون موجود باشد باید فصد  
کرد و الا مدزات از داخل و با نوار پیچیدن و روغن خاکبری  
طلا به کردن و رفا ده مبلوله از محلول شکر سرب انداختن  
و مالیدن الکحل کا فوری همه ندابرمذکور معین است در  
صوریکه باها را بلند نگاه دارد (گاهی فقط بلند نگاه داشتن کفایت میکند)

### (۱) املاء الدم

گاهی در زنان حامله بواسطه دوران خون و ازدیاد بعضی  
عنصر (کلیول) و کثرت آن خالنه دست میدهد که همیشه  
کردن بوابرها با آب سرد وارد شده از اینطرف بعضی اشخاص سست  
عنصر غافل از اینکه تمام او را و نواهی شارع علیه السلام مبنی بر مفید  
و مصلحت و افعی است غایت مافی الباب عقول نافعه عاجز از درک  
علل احکام او هستند فبا سنان حکای قدیم دست او بر نموده ایستاد دارد

موافقت میکند با حرمت لون و سنکپنی سرود و ران و طپیز  
کوش و احساس حرارت در تمام بدن و فوت ضربان قلب و  
عریض و صلب بودن نبض با فله اشتهای و اعیای و تبدیلی از کار  
و میل مضطرب خواب و سنکپنی آن و حرمت رنگ ادرار و پیوسته  
مزاج و گاهی عسرت تنفس و غیره

### علاج فصد است و بس

مخفی نماید که گاهی بی بجهت حوامل خالنه دست میدهد که خیلی  
شبهه است بحالت منلای مذکور بعضیها احوالت را املاً  
کاذب و با املائی مصلی نامیده اند اگر میانه این دو املاً تشخیر  
نداده در حالت منلای کاذب خون کم کنند موجب فطر الدم  
کرده اند که ایندو حکم شرع مخالف حکمت میباشد و عللای منشر عرم محض  
اسکات و افتناع الها خودشان را بشکافتند و خسته جوابی داده اند چنانکه  
متبعین کتب اسلامیه از این سؤال و جواب و زد خورد طرفین  
متشخصند چون مرز صحت و واقعیت این دو حکم از روی برهان و حجت



و غلبه عوارضات آن خواهد شد

مقاله دوم  
در بیان عوارضات اقامت حامله که بواسطه آنها  
گاه بصره جگر میزد و یا این که موجب  
نفوذ قطره هلاکت از پیش

(۱) صدمه بر شکم حامله و سقوط علی المفعده

این یکی از مسلمات خاص و عام است که بواسطه ضربه و سقوط  
وارد بر شکم حامله و یا افتادن آن روی مفعده جنین در شکم  
مادر هلاک میشود چنانچه و فیثکه جنین شروع بضرایان  
قلب کرد و مادر حرکت جنین را احساس کرد اگر در آن بین یک

مسلم و معمول به تمام حکما و طبای دنیا است لازم دانستیم که در این مورد فی  
الجملة از فایده و خواص حکم شرع و از مضرت و خطای خلالات آن در اینجا ذکر  
کنیم و لهذا اینجا بیکه در اول کتاب در جزء امورات صحت وضع و وقت و  
مقدار و سایر احکام و خواص خواب ذکر و بیان نکرده بودیم مجبوریم که

از صدمات فوق بر مادر وارد آید همان ساعت مادر احتل  
بیکون جنین مینماید و چند روزی نمیگذرد که جنین  
سقط میشود و اگر احیاناً سقط نشد لا بداً بعضی معایب  
در خلقت و هیئت عضو جنین بعمل میآید مانند نقص  
و عیب ففرائ و اعوجاج سر و صورت و چوالاتی و دست و پا

و غیره

مناسب است که در اینجا فی الجملة از اسباب و علل امانات عمومی  
سقط و از ندادن بر مخصوصه آن ذکر نموده بعد برویم سر مطلب  
سقط جنین اختصاص هیچ کدام از هتکانات حمل ندارد بلکه  
بافتاف سبب و استعداد مزاج است

در اینجا فصل مشبعی از خلالات کلیه خواب و احکام و خواص و از موافق شرع  
شریف و حکمت صحیح ذکر نموده بعضی غرایبیکه از شخص ناظم بروز میکنند  
استطراداً بیان کنیم

چون خداوند عالم نوع انسان را مجبور کرده که جهت تحصیل معرفت و تقاضا



**سبب** اکثر وقوع آن در ماههای اول حمل است و اغلب  
بجهت زنان عصبانی مزاج (جوشی) اتفاق می افتد  
مخصوصاً بواسطه اعراض نفسانی شدید مانند غیظ  
و غضب و غیث و حول و حراس و هبیت و غصه طویل  
و سادته فجائی و سایر اسباب مزاجی و خارجی مانند بوی  
عاصی و استیحام طویل و حمام و سواری و اعیان  
خشنه کی و غیره از آنجکه سابقاً در مباحث حفظ صحت  
و غیره ذکر شد بعمل می آید

**علامات** بعد از حصول یکی از اسباب مذکوره سفت  
همان طور که در مبحث فوق ذکر کردیم اگر چنین صاحبان  
ضروری خود و مدت روز مشغول باشد (وجعلنا الثمار معاشاً) و از این  
اشتغال اعیان و خشنکی حاصل می شود خواب شب را حلاً و فرار دود (وجعلنا  
نومکم سبائاً و اللیل لباساً) پس هرگز تعب خشنه کی انسان رفع نمی شود مگر  
بواسطه خواب شب بهر مثل اینکه عوض ما بتخلل بدن بواسطه غذا نش همان

و حرکت است حامله احساس بی کون آن نموده بعد از پر شکم  
و کردرد آمده شروع بنزف الدم می نماید و الا علامت سفت  
همان گرفتن درد و آمدن خولست و پس

**علاج** باید بجزای این که یکی از اسباب مسقطه چنین  
وارد و علامت مقدمه آن ظاهر شد نرسد حرکت نموده  
سکون و استراحت اختیار کرده تغذیه غذا نماید تا اینکه  
درد ساکت و خون موقوف بشود و از تمامی موجبات سفت  
که مکرر در این کتاب ذکر شده اجتناب نماید خاصه از بعضی  
مغضبات میل و شهوت ایام و حم (مانند ذغال و کچ و زغال  
و نمک و غیره) و از آنجا که هنگام سفت معین نیست پس

همان طور هم جریان قوای مختلله روز با خواب شب است و پس  
در این صورت چه قدر جای تأمل و تعجب است عادت و رسم آنهاست که مدعی  
نمیدن و نه پیشند از یک طرف اعتقادشان بر اینست که در همه چیز طبیعت  
رهنمائی میکند از طرف دیگر خارج از مجری طبیعت نارین و خنک بی صدا را



لا بد با بد هر زینکه یک دفعه سقط کرده باشد در زمان حمل بعدش  
از کلبه موجبات سقط اجتناب نموده بمحض احساس یکی  
از علائم سقط بخصوصه نزف الدم فصد نماید

### (۳) امثلا

سابقا عرض امثلا در وجود خود مادر را ذکر کردیم حالا  
بیان میکنیم تاثر آن را در وجود جنین اگر امثلا شدید باشد  
رحم منقبض شده ضغطه شدیدی بر جنین وارد می آید که  
موجب تغییر وضع طبیعی اعضای جنین گشته بعضی عیون  
در اعضای آن بعمل می آید مانند اینکه بواسطه صدقات وارد  
بر مادر معیوب میشود

نفسه مشغول میشوند روز روشن و گرمی را و ممال را بجهت خواب  
اختیار میکنند با وجود اینکه احدی نمیتواند منکر این مسئله بشود که روشن  
و گرمی مانع نومند و ناریکی و خنکی معین اند

گذشته از اینکه این قبیل اشخاص کلبه از روح و صفایین الطلوعین فصول

علاج ممکن است که رفع شر این صدقات را بواسطه فصد  
صافن و یا مابض مادر کرد چنانچه عوارضات امثلا از وجود  
مادر بر طرف میشود همان طور هم محض تخفیف امثلا ضغطه  
وارد بر جنین موقوف شده عیون مفرضه صورت  
نمی بندد **مطالب** فوق از امثانات بومیه بدرجه  
ببین رسیده است بعله اینکه عوامل امثلا با امثلا بعد از  
فصد معجز نمائند معاينه میکنند که فلق واضطراب آنها از ابل شده  
و حرکت جنین که قبل از فصد ضعیف شده بود بلکه گاهی است  
نمیشد فوق میگردد و اگر فصد نکند گذشتن از زحمت و اذیت  
خودشان و لادشان معیوب الخلفه متولد میشوند

معنای محرومند چه قدر ناخوابی است و بی اعتدالی است در ملکات ابران  
مخصوصا بجهت خواص که مرجع خاتمند مختصر هیچ چیز مانند خواب شب  
راحت و لذت نیست و بر عکس هیچ چیز مثل بخوابی پر زحمت و ناسازگار  
نیست بجهت هر کس اتفاق افتاده و یا اینکه دیده و یا شنیده که شخص محض



## تأثیرات علل الحکله حامله در وجود جنین

مختلف است بعضی موجب هلاک جنین میشوند بواسطه  
سستی که در خون مادر پیدا شده اگر افاسد می کند مانند جلد  
(را بله) و حمای درد و کوفت و غیرها بعضی بکره هستند که موجب  
هلاک جنین میشوند ولی حجم بدنش را صغیر و مزاجش را  
ضعیف می کنند و با اینکه سبب سقط آن میشوند مانند  
وجع المفاصل و ذات الریه و ذات الحجب و مطبفه

## تأثیرات علل قبل الحکله در وجود الجنین

امراضی که اغلب از مزاج مادر بر مزاج جنین تأثیر کرده موجب سقط  
و سرائت جنین و با اینکه موجب استعداد ابتلائی آن بعد از تولد

از مال و جان و عرض خود میگذرد

علامات غلبه خواب طبیعی

و فیه که روشنائی روز به طرف شدت تاریکی شب برقرار گشت شخص احساس خستگی  
عام نموده حرکت برای او دشوار شده حواسش بطو و بلادیت بهم ریخته ذهنش

خواهد شد عبارت اند از مرض سلب ریه و خنازیر و کوفت و اغلب  
امراض عصبانی مانند دل درد و هسرتی و صرع و امراض  
نشیج و جنون و غیره و هکذا امراض جلدی و سرطان و  
مرض نفیس و امراض حصوی (مانند ریت مزاره و کلیه و مفاصل  
و مثانه و غیره) مقصود ما از این بیانات نه آنست که علل  
مذکوره حکما بدون تخلف تأثیرات فوق را می بخشند بعله  
اینکه خیلی دیده شده است که مادر مبتلای علل و امراض  
فوق الذکر بوده ولی جنین صحیح المزاج بدنیا آمده و مادام  
الحیات مبتلا بعلل و امراض مادر می خود نکشته بلکه مقصود  
اینست که اگر آثار علل فوق الذکر در رحم و با بعد از تولد

کدر گشته بلب های چشمش روی هم افتاده گوشهاش سستین گردیده خواب

غالب باشد و یا اینکه شخص حسنه شده خواب کاملی کرد بعد بیدار شدی فهمد که

چه قدر اجنی بدن و زکات حسن و فطانه مشعر بجهنم او حاصل شده است

که ذهن و ضمیر خود را مانند این صاف دیده خود را مثل مرغ زیرک مستعد



بجهته اولاد اتفاق یافت سبب همان علل و امراض مادر است  
**خاتمه کتاب در بیان افعال نفسانی**  
 از آنجا که ضعف افعال نسبت بدکورزی الحس و مستعد  
 بخریجات عصبانی و تاثیرات نفسانی هستند و حمل هم تغییر  
 بر حالات انهمای افزاید قلند در حالت حمل بعضی خالتهای غیر  
 معنادار از آنها مشاهده میشود که خالی از غرایب نیست مثلاً  
 در بین کمال میل و محبت که نسبت بشوهر خود دارد بکدغنه  
 بدون جهنه بغض و عداوت در دلش پیدا میشود که خودش  
 هم در تعجب است که چرا چشم دیدن شوهر خود را ندارد  
 گاهی هرگز از هیچگونه عجب و غرایب متعجب نمیشوند و از هیچ  
 پرواز عجزانگارد

اینگونه لذت و راحتی از خواب برای شخص در صورتی حاصل میشود که غیر  
 از خشنه کی و پیچوایی خیال علیحدۀ نداشته باشد اما اگر فکر و خیالی و با  
 یکی از افعالات نفسانی بجهته او دست دهد مانند فرج و شفق

چیز مرغوب و فستک سرور و محفوظ نیستند از جمله غرایب که  
 خودشان نقل میکنند اینست که گاهی بی اختیار حالت  
 اختلاس و سرفش با آنها دست داده میل بدزدی کرده از  
 خانه همسایه ها چیزهای خیلی کم میبشیرا میبرد زدن با  
 وجود این که ذاتاً از اینگونه نارواها متبر بوده اند و هر چه  
 که سعی میکنند که این حالت مذمومه را ترك کنند نمیتوانند  
**جنون حملی**

گاهی ندرتاً بعضی از زنان این را اختلال مشاعر عارض  
 میشود که جنون حملی مینامند علامات اختلال شعور و  
 حواس از قبیل وسوسه در امور و خفت و خنکی در رؤیا  
 و خوف و حزن لا بد از خوابش برده بهین التوم و البفطه حالت نملیل  
 پیدا کرده گاهی بواسطه فکر و خیالی که دارد مشغول اضمغاط اخلام  
 بوده گاهی بواسطه الحمله صدمه و صدا بیدار شده احساس  
 پیچوایی میکند



و کارهای عجیب و غریب از آنها صادر و مشاهده میشود ولی  
خوش بختان اینچنانکه خیلی که اتفاق می افتد  
ناثیرانفعالات نفسانیه را می بینند

بعضی محض اینکه میانه اعصاب مادر و جنین ربط و پیوستگی  
ثابت کنند میگویند که مکرر از حوامل موثقه شنیده  
ایم که میگویند و میگویند در حالت و بار میل مضطرب و کولی  
داشتن باشیم اگر بخت مساعد کند ما آن چیز مطلوب  
مرغوب را تحصیل کرده بخوریم معاینه احساس میکنم که  
جنین یک حرکت ملائم سر و زان میزند و برعکس اگر از  
تحصیل آن ما بوسه باشیم در همان آن باس جنین حرکت عصبی  
شخص باید خوابگاه مسقف و محفوظ اختیار نماید که از صدمه تغییرات جوی  
و از آذای هوام و حشرات موزی در امان باشد و هرگز روی و شک  
خیلی نرم و کلفت و فرش سفت و زیر نهد  
اینکه بعضی موی سر خود را تراشیده عوض آن از پشم و پوست حیوان دیگر

عنیفی میکند و بعد معیوب الخلفه و نافض الاعضا متولد  
میشود

### عنیف مؤلف

صاحب ذوق سلیم نباید اینگونه حرفها را بجهه اثبات  
مسائل مشکله علمی دلیل و برهان قرار دهد بعله  
اینکه اولاً اغلب اوقات حالت و بار حوامل قبل از حرکت  
آمدن جنین عارض میشود ثانیاً اینکه همه روزه شاهد  
یکدیگریم که زنان حامله از مطلوب و مرغوب حالت و بار  
خودشان ممنوع میشوند و با اینکه اصلاً مقدرشان  
نمیشود که آنها را تحصیل نمایند و اولاد آنها بدون عیب و  
شب کلاه نریب میدهد و برخی با شال کمر و سارون علبه - خود را بپیچند  
کمر و محفوظ میدارد و با سر خود را زیر لحاف کرده محکم می پوشد منافی حفظ  
صحت است (انوس که این مختصر و سعت ذکر و بیان دلیل اینگونه مطالب  
ندارد) وقت خواب نباید کمر و پنجه و اسنپ و غیره را باز نموده هر



نقص بدنیهای آیند

پس اگر زنان حامله اینخرفها را در حالت حمل میگویند محض  
برای اینست که مطلوب و باری آنها را از آنها مضایقه  
نکنند و با اینکه بواسطه اختلال مشاعری است که در حالت  
حمل بجهت آنها دست میدهد و اگر چنانچه بعد از حمل  
میگویند بواسطه اینست که در ایام حمل با احتیاطی کرده  
ضربه و با سقطه بر شکمش وارد آورده و لدش معيوب  
الأعضاء منولد شده حالا اینخرفها را محض عذر زنی میگویند  
و با اینکه بدون اینکه صدمه ظاهری بر ایشان وارد نیاید  
و فینکه اولاً خودشان را ناقص لا عضا و معيوب الخلفه  
لباس سنگین و پشمی است در آورد و الا گذشته از اینکه راحت نمیشود مو

موجب نفوق عمل اعضا و احتقان اهای باشد

خواهید دید و نفرد ریت رخت خواب هرگز صحیح نیست و لا اینکه نشر  
حرارت و تنفس طرفین موجب بخوابی و ناراحتی بکدر است ثانیاً اینکه

می بینند هر چه فکر میکنند که سبب آن چه باشد عقلشان  
بجائی نمیرسد حدس بر عدم بنیل مزاج اقام و باری میکنند  
البته آنچه مادر این مبحث بسط و تفصیل دادیم نزدیک  
بعقل و ضرب بصواب است بعله اینکه روزی نیست که  
ماها قبل مفرطی بخوردن چیزی نداشته باشیم و با بچتر  
مطلوب خود مان نرسیم کجا رسد که زنان حامله باشند  
پس معلوم میشود آنچه زنان حامله باس و عدم بنیل مزاج  
خودشان را اسباب عجایب خلفه و غرایب لاد و عله  
عیب و نقص چنین میدانند هرگز کلبه ندارد و از این  
طرف نمیتوانیم ادعای قطع و یقین نماییم بر اینکه خصوصاً  
گاهی حادثه از یکی صد و بیست و نه مورث نفرت و برودت آن دیگر میگذرد

بخصوصه در ایام حیض زنان که تقریباً ثلث ماه را مبتلا هستند

گذشته از همه اینها ملائمه بدن موجب توران شهوت است انهم  
مفرض جماع مفرط است جماع مفرط هم از جمله مضرات خطره صحت و از



عوارضات خلفیه که نسبت بنا بر اثرات نفسانی حوامل می‌شد  
بکلی باطل و بی‌اصل است چنانچه خبر در مدت ده سال با  
طبابت خود خپله و ارسبی و فحصر را بن مسئله کرده بعضی روایات  
و حکایات از وقوع اینگونه اتفاقات در این صفحات که نسبت  
انها را بعدم بنام مرام حوامل و با نگاه کردن بعضی منظرهای  
کریه و هیکلهای مخوفه و با بعضا بد مذهبه میدادند شنید  
و دیده ام از آنجمله چند سال پیش از این در دار الخلافه طهران ضلّا  
الله عن الحدیثان ضعیفه پسری پید سرش نقد کوشش فراوان  
داشت که روکله و اطراف سرش را فرا گرفته تا بنا کوش او بخت بود چنان  
درشت و خیره و رخسار زشت و تیره و بدنی هین و کنده و لبان

و از اسباب عن و با عقیم شدن مرده است

وضع خوابیدن بسته بر اجنبی شخص ناآتم است ولی از آنجا که مدوح شرع  
شریف و مختار انبیای سلف و موافق حکمت صحیح است باید بطرف راست  
خوابیدن بطرف چپ پشت و در زیر هر کدام از این اوصاف سه گانه

برجسته و فروهشسته و دندانهای پز و نیز و بهم بستن داشت  
شکمش از سپینه گذشته برزخ چسبیده بود ساق و ساعد کمان  
امایش دیده نمائشان را با بپز حیرت دوخته بود از دست  
راست کج و معوجش با دو پای خم و پچپش هجده انگشت رفته  
بود

هزاران فسوس بسکه شوخ و شنگ بود و مقبول و ملوس  
چشم زخم خورد چو بلای ناگهان در گذشت و آنکس بحکم هر  
هر چه تند و پز کند نباشد را و درش از کور و عکاس بنید اخش  
عکس ناری چون مؤلف از وضع حال این بچه مسبون  
بودم یکی از عکسهایش را محصیل کرده داشتم تا این روزها که مشغول

آخری بواسطه چندین جرم معیوب مضرند اما عیب طرف چپ و لا بواسطه اینست که  
قطعه این ریه که نزدیک از قطعه ابراست روی قلب افتاده فی الجمله مانع از حرکت  
و فرغات طبیعی آن خواهد شد ثانیاً اینکه اگر قبل از اتمام هضم معده بخوابد  
کبد روی معده و بتوان افتاده لا بد باعث عسرت و زحمت

شخصی است اهل قایل لفظی باین گونه  
(بزرگ فقط خان) اسمش و منته فوریه  
چون بیست سال قبل ملک قایل بواسطه  
انقلاب خط خود را استقلال افتاد  
ضمیمه دولتی با آنکه در بدو شخص  
اندک مدت طریقت را آنکه تا نوزده سال  
قبل سفارشنامه از اهر اطوار طریقت  
گرفته آمد مملکت ایران که در پیش راه  
نظمت طهران شده صاحب منصب  
موجب کشته بود که در و سال پیش  
ربا سنا نظمت از او قطع گشت



نشوید این اوزان بودم بخاطر مرسید که از آن زن مخفیون  
 تمام که آباد را بام حمل و وح حادثه بجهه او اتفاق افتاده  
 بود و بانه بوساطت موثقه مخفیون شد گفته بود که هیچ  
 کدام از این مطالب که میگوید برای من اتفاق نرفته بود الا  
 اینکه انعقاد نطفه آن بچه بواسطه مجامعت شبنا سوغا  
 شده بود و من تمام اقامت که بکمال طول کشید در ترس و  
 نشویش بودم که چرا ما احرام انش را ترک کرده انقضای شهوت  
 نفسانی را بعد از دیدیم تا اینکه بچه انطور بدینا آمد انوقت  
 من بشوهرم گفتم دیدی ترک احرام شبنا سوغا چه اثر در  
 اولاد ما کرد شوهرم گفت که نه سبب این است بلکه من بکلام

خروج و خالی شدن بکوس (مهمضموم معدوی) میباشد بخالت هم  
 موجب احلام اضغاث و کابوس (بختک) (زهر باطن) و استیفاء فجاء  
 (پیریدن از خواب) و صبحه تا تم بخصوصه در اطفال میگرد

اما منکوب و روی شکم خوابیدن مانع از حرکات احشای جوف بطنه و

لاک پشت کشته بودم او سبب اینکار شد مختصر میانه ما  
 اختلاف شد و همین طورها در زد و خورد بودیم تا شب عاشورا  
 دیگر که مسعد الفخ (ابن شدن) بودم شوهرم بمن گفت  
 راستی من میخواهم بجهه امتحان این مطلب امشب با تو مفاربت  
 کنم من هم محض تجربه نمکین کردم فضا را انشب بسن شدم  
 و همان طور متصل در فکر و خیال بودم که این دفعه اولاد ما  
 چه شکل خواهد شد و منبکه مدت اقامت حمل از نه ماهه گذشت  
 اضطراب من بیشتر شد تا اینکه مثل اولی بعد از انقضای  
 یکسال تمام بچه را دیدم که دوسر داشت و مانند جوان  
 صاحب سم بود و فوراً تلف شد دیگر یکسری اظهار نکرده دفن  
 کردیم بعد نوبه و انابه نموده در موقع علیحدّه مفاربت کردیم همین  
 و غویق عمل آنها در عموم اشخاص بوده مورث ضغطة رحم حوامل و سنگینه  
 آن بمعبور و رده پاها (روی دماغ فلاپی) که منبج مرض و الی و محدث  
 هنج لسان ابن است میشود اما فضا و پشت خوابیدن با غرض



دو نفر اولاد صحیح و سالم که می بینند خدا بعد از آنها برای ما گراشت  
فرمود چون خالی از مناسبت نبود از روی عکس اصل صورت آنچه عجب خلق  
نصویر کردندیم



بخیر اکثر اشخاص و صورت در روز امثالی آورده معاً مستقیم کلیه بوابینها  
و باعث برهان در خواص و موجب تعویذ در صنف ذکور میشود

ولی هر چه جویداشدم که شاید بجهت اینگونه نسبت ها دلیل  
علی در نصایب دانستند از علم فری بلوری و غیره پیدا کنم  
برهان صحیحی که عقل سلیم مانع آن بشود بنظر فاضل رسید  
غایت ما فی الباب آنچه فری بلوریت ها درین  
خصوص میگویند اینست که انفعالات نفسانیه حوامل  
بیکدرجه محدود و معینی در وجود چنین اثر میکنند و اود  
که موجب اینگونه تاثرات میشوند عبارتند از منظرهای کیه  
و هیکلهای عجیبه و اصوات شدید و سایر حوادث  
فجائیه (چنانچه موجبات مذکوره در قوه متخیله حوامل  
(خواصه در خوابین غیر متخلف) اثر میکنند بخوبی که موکها انها

سبب آنکه بعضی ها خیل خواب می بینند برد و شمش است و الا این بعد از محض  
که در رخ انها است تا با بواسطه شغلی که دآتم محتاج بفکر و خیالند چنانکه  
اشخاص اغلب مناسب فکر و متعلق خیال خودشان خواب می بینند و بعضی چیزها  
دیگر هم هستند که موجب زرد باد و تعویذ اینگونه اسباب میشوند مانند امثالی بعد



بلند شده مجرب و تنبیه در حواس آنها پیدا میشود مجرب که  
چنین در رحم آنها از اینجالت منفعل و متأثر میشود  
ولی از شرایط اینگونه موجبات مؤثره است که از یک نوع باشد  
و مکررات اتفاق بافتد و نظر و توجه حوامل بان طول و  
امتداد پیدا نماید تا اینکه در متخبطه آنها طبع و نفس هر نشا  
و بعضی از مورخین تاریخ طبیعی نوشته اند که از فرار  
تحقیقات معلوم شده است که هرگز بجهت بعضی از زنان  
حامله بحمل اولاد مسوخه هیچگونه حوادث غریبه و  
موجبات مؤثره اتفاق نیفتاده ولی بجهت اغلب آنها در ما  
های اول حمل حوادثی اتفاق افتاده که موجب اضطراب خلیه

و عرن هضم و بعضی حالت عصبانی و غیره را شایسته است که اسباب موجب دفعه مذکور را  
ندارند خلیه که خواب بیند بلکه بعضی هیچ نمی بینند در هر صورت کلیه عالم خواب بخواب  
یکه اینکه با کمال آرامی تا آنجمله ترتیب میشود که روپا نامند و هم اینکه با خالت هذیان و صیحه فرغ  
و بلا ترتیب دیده میشوند اضعاف حلام میکنند (بعضیها اهتمام زیاد دارند که خواب را تغییر کنند چنانکه

شدیده و باعث مجرب و تنبیه حواس آنها بوده اختلال  
عظیمی در عقل آنها روی داده مبتلا بهم و غم عظیمه  
و اوهام مخوفه میشوند که ما میتوانیم نسبت مسخ چنین  
انها را با اینگونه تاثرات بدیهیم  
مختصر اینهمه اختلاف و اضطراب بیانات دانشمندان  
و ثبت ما بحکایات و روایات زنان محض اینست که در  
زمان حال به علم انسانی بحدی نرسیده است که گمانی  
از عهده تحقیقات اینگونه مطالب بر نیاید و الله اعلم  
بالصواب و هو المرجع والمآب

اگرچه ترتیب نالیف و تکلیف مؤلف بر این بود که بعد از اثبات

هر چه معین خود میدانند حمل بر واقع کرده منظر بر وقوع آن میشوند هر چه مضر خود  
می نگرند حمل بر خلاف آن نموده خود را اشیای میدهند هرگز این اطوارها مشروع نیست  
خدا عالم بجهنمات را مختص بذات بال خود فرموده (لا یعلم الغیب الا الله) در این صورت  
تکلیف است که اگر خواب خوب دیده استغاثه از رقیب الغره نماید که خواب او را بصورت فعلی بنماید



ندیم الحوامل محض ارشاد ابله الحمله از مسائل متعلقه بر مطلق  
و مخاض (در دوزخ) و وضع حمل و فراغت حوامل و حضانه  
مولود و مواظبت نفاس (زاهو) و برخی از مطالب متعلقه  
بارضاع و قطام و امراض مخصوصه باطفال جدید الولاده  
و تربیت آنها ذکر شود ولی از اینجا بیکه بعضی از مسائل اولیای  
سایرین در مسائل متفرقه خودشان و مطالب ثانویه  
عمده الاسانید ذکر محمد کرمانشاهانی بطور تفصیل در  
کتاب امراض اطفال خود که فی الواقع یکی از نسخه های قدیم  
شریف طبایست نوشته بودند فلهمذا ذکر و اعاده  
اها را لازم ندانیم پس هر کس محتاج رجوع باها نماید

اگر خواب بد بر بیند بطرف چپ گردیده بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَنَامٍ هَذَا  
أَنْ يَصْرَفَ فِي دِينِي أَوْ دُنْيَايَ وَبِهِ عِجْكَسْ هَمْ نَقْلُ نَكْتَانِ شَاءَ اللَّهُ بَدْرًا زَاوِ  
دور است) ستم کابوس و آن حاله است که ناام در نصف اول شب بیند شخص عظیم الجثه و  
با عجزیده و با جوامع و در زند و با صاحب هیکل چیل میج واریشه او شده و عیبه فریب انجمن

و هر چه زود بزند که حرکت کند و با فریاد نماید تا در بنوده هراسان شده غرق غری  
میشود مبتدای اینک را باید از خواب بیدار کرد و اگر طفل است تسکین داد بعد  
بحسب سبب مرض از قبیل سوء هضم و وضع خواب بدی نمود که مبادا منتهی بصرع و  
یا جنون شود چهارم جولان ناام و با استیفاط نومی عبارت است از اینکه شخص  
ناام بیک دفعه از رخ خواب پا شده در حالت نوم و ظلام هالک بعضی کارها  
میکند که هرگز در حالت بیداری و دو شنای قادر بر آنها نیست مانند  
حل کردن مسائل مشکله علمی و نوشتن آن بروی کاغذ و راه رفتن بروی  
دیوار خیل بلند و بار بار و غیره این قبیل اشخاص را نباید در بین بعضی  
صور خیره بیدار کرد بلکه خواب گاه آنها را جای محفوظ فرار دهند که نتوانند  
بیرون رفتن بخطر افتند پس معلوم میشود که وجدان نومی مادر ای وجدان بفظله  
(انزع منک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر) چنانچه انکشافان اکتفا  
فرنگستان در باب شایع نوم مصنوعی مانند مشاهده جوانان متعنا طبیعی  
سباله که ریاسته و در کانون آنها مبتنی بر این مسئله است نه کتاب  
فی بونامع عشر شهر حیا الحجب عشر ثلثه الفیه بدان کتاب عظیم اکبر طالق



کتابخانه خصوصی

غلامحسین - سرود

مؤلف دو رساله دیگر هم تألیف کرده امیدوار است

که انشاء الله تعالی عنقریب بجلد طبع برسد

(۱) وسیله السلوک فی ذاء الملوك (مختصر است)

مخصوص بمرض نفر من و میباید در امرجه حصوی

رفا نشی

(۲) منتخب الصنائع والفنون (مختصر است که

بطرخیله ساده برخا از مطالب مجربله پاره صنایع

در او ذکر میشود و عبارات هرچه واضح شده

از مسائل مهندسه بعضی علوم گفتگو میگردد)

اعلان

محل فروش کتابهای مؤلف در سبزیه پندان

او طاق نجارچی مقرب الخا فاقان فاسم

خان ناجر باشی دولت هبته روسیه

خواهد شد





